

Media Activity in the Syrian Crisis: A Comparative Study of Media Positions of the Islamic Republic of Iran and the European Union

Received: 2021/07/27 Accepted: 2022/02/08

Ensie Jahani¹

Raziyeh Mehrabi Kushki²

The present research aims to study the role of the media of the Islamic Republic of Iran and the European Union concerning developments in Syria. The results of the descriptive-analytic research show that the media in question deploy various framings in line with foreign policy goals of their respective countries. That is, there is a meaningful relation between the performance of the media and the direction of their foreign policies, in keeping with which specific semantic components of the crisis stage are portrayed and framed. Drawing on Goffman's theory and the idea of framing, media try to formulate the realities of the crisis scene in certain semantic frames. The framing by Media in Iran has ideological, cultural, and security specifications, while those in the European Union pursue a political-security and economic frame in the Syrian crisis.

Keywords: foreign policy, Islamic Republic of Iran, European Union, Syrian crisis, media, communicative technologies.

1 MA, European Studies, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran: ensie.jahani@gmail.com.

2 Assistant professor, Technology Studies Institute, Tehran, Iran (corresponding author): mehrabi@tsi.ir.

کنش‌گری رسانه در بحران سوریه:

مطالعه تطبیقی مواضع رسانه‌های جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۵/۵

تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۱۱/۱۹

انسیه جهانی^۱

راضیه مهربابی کوشکی^۲

کنش‌گری رسانه در بحران سوریه...

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش رسانه‌های جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا در تحولات سوریه است. نتایج حاصل از روش پژوهش توصیفی - تحلیلی مقاله نشان می‌دهد که رسانه‌های مورد بررسی، همسو با اهداف سیاست خارجی کشور متبوع خود، چارچوب‌سازی‌های متنوعی را به کار برده‌اند. به عبارت دیگر میان عملکرد رسانه‌ها و جهت‌گیری سیاست خارجی آن‌ها ارتباط معناداری وجود دارد و متناسب با آن، مؤلفه‌های معنایی مشخصی از صحنه بحران، تصویرسازی و چارچوب‌بندی می‌شود. با استفاده از نظریه گافمن و ایده چارچوب‌سازی، رسانه‌ها تلاش می‌کنند واقعیت صحنه بحران را در قالب‌های معنایی مشخصی صورت‌بندی نمایند. رسانه‌ها در ایران به چارچوب‌سازی با مشخصات ایدئولوژیک، فرهنگی و امنیتی توجه دارند و رسانه‌ها در اتحادیه اروپا، چارچوب سیاسی - امنیتی و اقتصادی را در بحران سوریه دنبال می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: سیاست خارجی، جمهوری اسلامی ایران، اتحادیه اروپا، بحران سوریه، رسانه، فناوری‌های ارتباطی.

۱. کارشناسی ارشد، مطالعات اروپا، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (ensie.jahani@gmail.com).

۲. استادیار، پژوهشکده مطالعات فناوری، تهران، ایران (نویسنده مسئول) (mehrabi@tsi.ir).

عرصه سیاست خارجی دولت‌ها و بازیگران اصلی صحنه روابط بین‌الملل میدان جستجو، نمایش، کسب و افزایش ارزشی به نام قدرت در محیط فراسرزیمینی، همسایگی، منطقه‌ای و جهانی است؛ بازیگران رسمی در نظام بین‌الملل به شیوه‌های مختلف تلاش می‌کنند با استفاده از تدابیر افزایش قدرت انتخاب کنشگری در بازی‌های گوناگون بین‌المللی، دیگران را به رفتار موردنظر خود ترغیب سازند و در ایجاد آثار مطلوب در بحران‌ها و مسائل منطقه‌ای و جهانی موفق گردند. این تدابیر گاه سویه‌های خشونت‌بار و اجبار به خود می‌گیرد و در مواقع بسیاری به صورت مسالمت‌آمیز در ابزارهای متنوعی از جمله فناوری‌های ارتباطی به‌ویژه رسانه ظاهر می‌شود. جی پی سینگ^۱ در مقدمه فناوری‌های اطلاعاتی و سیاست‌های جهانی، کتاب مشترک خود با جیمز روزنا، سه‌گونه توانمندی قدرت ابزاری، قدرت ساختاری و فراقدرت^۲ برای ابزارهای استراتژیک برمی‌شمارد که دولت‌ها حسب هوشمندی و برخورداری از زیرساخت‌های فنی از آن استفاده می‌کنند. رسانه با ویژگی منحصر به فرد تولید قدرت از طریق اقناع و معناسازی (فراقدرت) و ورود به عرصه بحران‌های بین‌المللی، به عاملی تأثیرگذار بر وقایع تبدیل شده است (Rosenau & Singh, 2002).



جهانی‌شدن فناوری ارتباطات با از بین بردن مرزهای زمانی و مکانی درحالی رسانه‌ها را به مهم‌ترین کنشگران اجتماعی جدید تبدیل کرد که نقش فعال شکل‌گیری انتظارات جامعه و سیاست‌گذاری‌ها نیز به آنان واگذار گردیده است؛ لذا دیگر نمی‌توان نقش رسانه‌ها را در تحولات ملی و بین‌المللی نادیده گرفت. بسیاری از تحولات علاوه بر این که توسط رسانه‌ها گسترش می‌یابند، گاهی به‌دست رسانه‌ها نیز تولید و رهبری می‌شوند (Silverstone, 2007, p.42). هم‌چنین رسانه با پوشش خبری بسیاری از اعتراضات اجتماعی سبب گسترش آن در داخل و گاهی سایر نقاط جهان می‌گردد. به این ترتیب دولت‌ها جهت پیشبرد اهداف سیاست خارجی و رسیدن به منافع ملی از رسانه‌ها و ظرفیت‌های آن از جمله همراهی افکار عمومی با سیاست‌های خود استفاده می‌کنند. کاربرد رسانه‌ها در تحولات اخیر جهان اسلام هم‌چون بیداری اسلامی در کشورهای

1. J.P. Singh
2. instrumental power, structural power, and meta-power

تونس و مصر می‌تواند مثال مناسبی برای کاربرد رسانه در ایجاد بحران و مدیریت تحولات باشد. در این حوادث، رسانه‌های جمعی با هدایت و انسجام اعتراضات مردمی به‌نوعی رهبری این جریان‌ها را در دست گرفتند.

در همین زمینه نقش رسانه‌ها و قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای در بحران سوریه در سال ۲۰۱۱ برجسته می‌شود. این کشور با مؤلفه‌های ویژه سیاسی، جمعیتی، ژئوپلیتیک و هم‌چنین واقع شدن در نقطه اتصال قاره آسیا و اروپا و نیز برخورداری از پتانسیل ژئواستراتژیک، باعث ترغیب بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به ایفای نقش در آن شده‌است. هر بازیگر اهداف سیاست خارجی خود در این منطقه را با استفاده از رسانه‌ها پیش می‌برد. مسئله اصلی این پژوهش چگونگی کنشگری رسانه‌های رسمی دو بازیگر مهم، یعنی جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا در بحران سوریه است. برای پاسخ به این سؤال از ایده «چارچوب‌سازی» نظریه گافمن استفاده شده‌است. بر این اساس رسانه‌ها همسو با اهداف سیاست خارجی کشور متبوع خود، چارچوب‌سازی‌های متنوعی را به‌کار می‌برند. به عبارت دیگر میان عملکرد رسانه‌ها و جهت‌گیری سیاست خارجی آن‌ها ارتباط معناداری وجود دارد و متناسب با آن مؤلفه‌های معنایی مشخصی از صحنه بحران چارچوب‌بندی می‌شود. اما تعیین فرم و محتوای این چارچوب‌ها نیازمند تحلیل مضامین موجود است؛ لذا پس از بیان چارچوب نظری و با استفاده از تحلیل محتوای پیام‌های رسانه‌ای دو بازیگر تلاش می‌شود با استخراج چارچوب‌سازی مذکور نقاط افتراق و اشتراک هر دو مشخص گردد.

۲- چارچوب نظری

دولت‌ها به‌طور معمول برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی خود از ابزارهای مختلف قدرت استفاده می‌کنند و ابعاد مختلف قدرت اعم از سخت و نرم می‌تواند دولت‌ها را در دستیابی به اهداف یاری رساند. از آنجاکه اکنون شکل قدرت سخت و نظامی، کارایی و مقبولیت سابق را ندارد، دولت‌ها ترجیح می‌دهند از قدرت نرم و هوشمند (فراقدرت) در دستیابی به اهداف خود استفاده کنند. عواملی چند از جمله هزینه بالای استفاده از قدرت نظامی سبب این چرخش شده‌است؛ درحالی‌که استفاده از قدرت نرم با هزینه کمتر و تأثیرگذاری بیشتر از وجهه خشن آن ارزیابی می‌شود. دولت‌ها با استفاده از قدرت اقناعی رسانه به‌عنوان یکی از ابزارها و نمادهای قدرت نرم تلاش می‌کنند به اهداف سیاست خارجی خود دست یابند. قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی از رسانه‌ها به‌دلیل قدرت بالای



شکل دهی به ارجحیت‌ها، اقتناع‌سازی و هویت‌پردازی استفاده می‌کنند؛ البته هریک از این دولت‌ها با توجه به اهداف خود نوع خاصی از سیاست‌گذاری رسانه‌ای را انتخاب می‌نمایند. نظریه‌های دیپلماسی رسانه‌ای از جمله مباحث نظری متعدد در خصوص نقش رسانه‌ها در بحران‌های بین‌المللی و تلاش کشورها برای استفاده از مزیت‌های آن است. دیپلماسی رسانه‌ای به‌عنوان بخش مهمی از دیپلماسی عمومی در خدمت سیاست خارجی کشورها قرار دارد. به‌طور ویژه در دیپلماسی رسانه‌ای، از رسانه‌ها و چارچوب محتوایی آن برای اثرگذاری بیشتر بر افکار عمومی استفاده می‌شود. این دیپلماسی به نقش رسانه‌ها در بحران‌های بین‌المللی و تلاش یک کشور برای بهره‌برداری از قابلیت‌های آن توجه دارد. کنش‌ها در این حوزه جنبه تبلیغاتی دارد و تصویرسازی‌های رسانه‌ای در خدمت توجیه و تأیید است. هرچند بیشتر اوقات هم‌چون اولتیماتوم‌کندی به اتحاد جماهیر شوروی در بحران موشکی کوبا در ۱۹۶۲، دیدار نیکسون از چین در ۱۹۷۲، دیدار انور سادات در اورشلیم در ۱۹۶۲ تنها جنبه تبلیغاتی داشته‌اند، اما گاهی از رسانه‌ها جهت دستیابی به موفقیت در حل بحران‌ها نیز استفاده شده‌است (Gilboa, 2001, p.10).

تفاوت‌هایی میان دیپلماسی رسانه‌ای و دیپلماسی عمومی وجود دارد. دیپلماسی عمومی ابزاری برای ارتباط کشوری با شهروندان کشور دیگر و نیز دستیابی به اهداف سیاست‌های ملی است؛ این دیپلماسی به شیوه‌های مختلفی چون فرستادن پیام، تفکرات و یا اطلاعات استفاده می‌شود به‌گونه‌ای که باعث اثرگذاری بر مردم کشور ثالث شود. به گفته مایکل باتلر، دیپلماسی عمومی نفوذ بر افکار عمومی در کشورهای هدف است، به طوری که دستیابی به اهداف ملی را تسهیل و منافع بخش‌های خصوصی و عمومی دولت در کشور دیگر را تأمین نماید (Leonard, 2002, p.1). اما هدف دیپلماسی رسانه‌ای همراهِسازی افکار عمومی داخلی نیز می‌باشد تا هزینه‌های پرداخت‌شده برای حضور یا مداخله قابل دفاع باشد. به‌طور کلی دنیای نوین امتیاز ویژه‌ای برای اقناع، آشکارسازی، گشودگی و ایجاد ائتلاف در مقابل توحش و استفاده از زور قائل شده‌است. اهداف دیپلماتیک امروز بیش از آن که مبتنی بر دستیابی به توافقات باشد، بر ایجاد جاذبه و خلق پیروانی بانگیزه و تمایل بالا تأکید دارد. در این مسیر دیپلماسی رسانه‌ای را می‌توان کاربرد رسانه از سوی رهبران و دیپلمات‌ها به‌منظور تحلیل و پیشبرد دیپلماسی و سیاست خارجی هر کشور با هر نظام رسانه‌ای و هر نوع نظام سیاسی - حاکمیتی توصیف کرد (خرازی آذر، ۱۳۹۴، ص. ۱۲۱).

با وجود دیدگاه‌های فوق، ترجیح این نوشتار استفاده از ایده «چارچوب‌سازی»^۱ نظریه «گافمن»^۲ است. این دیدگاه فرایند استفاده از اطلاعات در تصویرسازی رسانه از حوادث را توضیح می‌دهد. به‌طور کلی رسانه‌ها نقش مؤثری در انتقال اطلاعات ایفا می‌کنند و افراد به‌وسیله رسانه‌ها از حوادث موجود در سراسر جهان مطلع می‌شوند. رسانه با بازتاب خبری و فرایند چارچوب‌سازی می‌تواند در درک افراد از واقعیت‌های موجود تأثیر عمیقی برجای گذارد. چارچوب‌ها ساختارهای شناختی بنیادینی هستند که با مشخص نمودن نحوه ادراک واقعیت‌ها به افراد در فرایند ادراک واقعیت‌ها کمک می‌نمایند. اروینگ گافمن در سال ۱۹۷۴ با طرح مفهوم چارچوب‌سازی معتقد بود که افراد به‌صورت فعال جهان پیرامون خود را با استفاده از چارچوب‌های تبیین، دریافت، شناسایی و برچسب، اطلاعات را سازمان‌دهی و معنا می‌کنند. درواقع ما برای درک واقعیت، آن را چارچوب‌بندی می‌کنیم (Goffman, 1959, p. 65).

در همین زمینه چارچوب‌سازی روشی برای انتقال اطلاعات است که از طریق آن رسانه‌ها، اخبار وقایع را به مخاطبان می‌رسانند. رسانه‌ها با چارچوب‌سازی اطلاعات و وقایع از طریق پرداختن به برخی جنبه‌ها و عدم انعکاس جنبه‌های دیگر حوادث، فرایند انتقال اطلاعات را انجام می‌دهند. رسانه‌های خبری طی فرایند چارچوب‌سازی، سعی می‌کنند تا در زمان‌های مقتضی و در جهت منافع سیاست‌گذاران، مالکان و حامیان خود، با شکل‌دهی به افکار عمومی، فهم مخاطبان خود از موضوعی خاص را در مسیر دلخواه خود هدایت کنند (Cissell, 2012, p. 67-68). از جمله کارکردهای چارچوب‌سازی رسانه‌ای آن است که این امر در جوامع مختلف موجب بروز قضاوت‌های ارزشی در موارد مختلف، کسب، اعطا و هم‌چنین سلب مشروعیت و حمایت از اشخاص یا موضوع‌های خاص، اعمال تأثیرها و نیز تغییر در مسائل گوناگون و تأثیر بر ساختارهای مختلف جامعه می‌شود (Hallahan, 1999, p. 222 - 223).

هم‌چنین، چارچوب‌سازی فرایند کنترل انتخابی محتوای رسانه توسط متصدیان رسانه است. این نظریه می‌گوید، چگونه بخش خاصی از محتوای رسانه یا معانی بیان حاصل از آن در یک قالب ارائه می‌شود به‌گونه‌ای که امکان تعابیر و تفاسیر مطلوب، معین و

1. Framing
2. Erving Goffman



مشخص را فراهم و تعابیر دیگر را حذف می‌کند. چارچوب‌سازی زمانی رخ می‌دهد که سیاست‌مداران تلاش دارند واقعیت را به نحوی دیگر تفسیر کنند. رسانه‌ها متناسب با سیاست‌گذاری رسانه‌ای دولت‌ها، چارچوبی برای بررسی و توضیح حوادث و واقعیت‌ها شکل می‌دهند؛ به عبارتی این رسانه‌ها هستند که به مخاطبان خود القا می‌کنند درباره چه چیزی فکر کنند، حتی چگونگی فکر کردن را در چارچوبی از پیش ساخته شده، بر آنان تحمیل می‌کنند. چارچوب‌سازی مبتنی بر این فرض است که نحوه توصیف یک موضوع و رویداد در گزارش‌های خبری، بر چگونگی درک آن موضوع و رویداد توسط مخاطب تأثیر می‌گذارد (فرقانی و مودن، ۱۳۹۴، ص. ۷).

در جریان تحولات سوریه نیز رسانه‌ها به شدت فعال عمل می‌کردند. دولت‌ها با استفاده از ظرفیت خاص رسانه‌ها در جهت اقناع‌سازی و چارچوب‌سازی گام برداشتند. دولت‌های مختلف با کمک رسانه‌ها در جریان تحولات، با تغییر واقعیت‌های موجود براساس اهداف سیاست خارجی خود، ذهن مخاطبان را مطابق اهداف مدنظر خود شکل می‌دادند. درواقع می‌توان ادعا کرد رسانه‌ها در تحولات سوریه، بازتاب آینه‌وار واقعیت‌ها نبودند، بلکه وقایع را مطابق علایق، منافع و ترجیحات خود بازنمایی می‌کردند (سورین و تانکار، ۱۳۸۱، ص. ۸۳). نحوه تأثیرگذاری بر مخاطبان از طریق انعکاس اخبار پیروزی نیروهای مدافع بشار اسد تا پیشروی نیروهای تکفیری و جنایت‌های گروه‌های تروریستی در سوریه را می‌توان جنبه‌ای از چارچوب‌سازی واقعیت‌ها دانست. تلاش این مقاله بررسی بی‌طرفانه جهت‌گیری رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران و رسانه‌های اتحادیه اروپا با استفاده از نظریه چارچوب‌سازی است که با تحلیل محتوایی پیام‌های رسانه‌های رسمی جمهوری اسلامی ایران و نیز اتحادیه اروپا و استخراج مهم‌ترین مضامین به کاررفته در این چارچوب‌سازی درنهایت بتوان نقاط افتراق و شباهت عملکرد رسانه‌های آنان در مدیریت یک بحران منطقه‌ای را تبیین نمود.

۳- چارچوب‌بندی رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه

دوست‌ودشمن‌سازی بخشی از چارچوب‌بندی رسانه‌ها در شرایط بحران است. سیاست رسانه‌ای به مجموعه‌ای از اصول و هنجارها اطلاق می‌شود که جهت کنترل رفتار نظام‌های رسانه‌ای به وجود می‌آید. سیاست‌گذاری‌ها در متن برداشت عمومی جامعه از ارتباطات شکل می‌گیرد و ناشی از ایدئولوژی‌های سیاسی، شرایط اجتماعی و اقتصادی کشور و ارزش‌هایی است که با تشکیل زیربنای آن، می‌کوشند این ارزش‌ها را با نیازهای

واقعی و آینده‌نگری‌های رسانه‌ای مرتبط سازند (محمدی، ۱۳۸۷، ص. ۱). در شرایط بحران‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و با وجود شرایط بی‌اعتمادی و رقابت در بین اکثر بازیگران و اهمیت یافتن معنی و مفهوم‌سازی رسانه‌ای، در بیشتر مواقع حوادث از طریق رسانه‌ها شکل گرفته و ابلاغ می‌شوند (Silverstone, 2007, p.42). به عبارتی رسانه‌ها در جریان بحران‌های مختلف، یک‌طرف را به‌عنوان طرف خود و طرف دیگر را به‌عنوان دشمن در نظر می‌گیرند. این معانی ساخته‌شده در رسانه، ممکن است از یک واقعه یا پدیده سیاسی و اجتماعی منحصر به فرد، از ایدئولوژی‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی یک کشور و نیز از ارزش‌های تشکیل‌دهنده زیربنای آن ناشی شود؛ لذا چارچوب‌سازی رسانه‌ای در هر جامعه‌ای وجود دارد، اگرچه ممکن است که این سیاست‌گذاری و منابع معناسازی آن، پنهان باشد.

با تحلیل رسانه‌ها، تیتورها و اخبار انتشار یافته در داخل و یا خارج، می‌توان چارچوب‌سازی اطلاعات در رسانه را متأثر از متغیرهای ایدئولوژیک، فرهنگی و مذهبی - یعنی اصول بنیادین سیاست خارجی جمهوری اسلامی - ملاحظه نمود. در حال این سویه‌های فکری و فرهنگی در کنار منافع استراتژیک و ژئوپلیتیک چارچوبی را تولید می‌کند که در قالب آن با صورت‌بندی معنایی بحران سوریه، دیگر ساخته‌های رسانه‌ای کنار و یا به حاشیه می‌رود. تحلیل محتوای رسانه‌های جمهوری اسلامی ایران مضامین زیر را در چارچوب‌بندی این رسانه‌ها برمی‌نماید:

۳-۱) حفظ محور مقاومت

محور مقاومت اصطلاحی است برای اشاره به ائتلاف نانوشته میان کشورهای عمدتاً شیعه هم‌چون ایران، سوریه، عراق و حزب‌الله لبنان که هدف آن را می‌توان مقابله با اسرائیل، کنترل قدرت و تسلط غرب بر منطقه خاورمیانه و درنهایت آزادی فلسطین برشمرد. پس از جنگ ۶ روزه در سال ۱۳۴۵ و اشغال بخشی از خاک سوریه توسط اسرائیل، تنش در روابط دو بازیگر مزمن شد. پیروزی انقلاب اسلامی ایران و ریاست جمهوری بشار اسد در سوریه سبب خصمانه‌تر شدن این روابط گردید، زیرا برخی اشتراکات راهبردی هم‌چون لزوم مقابله با جنایت‌های رژیم اشغالگر قدس، سبب نزدیکی ایران به سوریه شد، به‌نحوی که رهبر جمهوری اسلامی ایران در دیدار با بشار اسد حمایت از سوریه را حمایت از جبهه مقاومت دانست (خامنه‌ای، ۱۳۹۷).



مقام‌های نظامی ایران نیز معتقدند:

پیروزی جوانان مدافع حرم در سوریه را نه تنها جبهه خودی، بلکه دشمنان انقلاب اسلامی نیز فریاد می‌زنند و این اعتراف سرکرده شیطان بزرگ، آمریکا است که گفت می‌خواستیم در سوریه این حکومت نباشد، می‌خواستیم جبهه مقاومت نباشد، حتی اروپا و کشورهای مرتجع عرب نیز مخالف حکومت کنونی سوریه بودند اما نتوانستند، چون ایران نخواست و همه جهانیان دیدند که چه اتفاقی افتاد. (شبکه خبری العالم، ۱۳۹۸)

به این ترتیب حفظ سوریه به‌عنوان محور مقاومت با اهداف استراتژیک انقلاب اسلامی ایران توجیه‌پذیر است. اساساً ایران پس از انقلاب اسلامی، جهت‌گیری سیاست خارجی خود را بر حمایت از جبهه مقاومت تنظیم نمود تا از این مسیر با مهار تهدیدات امنیتی رژیم صهیونیستی در منطقه، از نفوذ و قدرت‌یابی بیش از حد آن جلوگیری کند. لذا رهبری جمهوری اسلامی ایران رژیم سوریه را بخش مهمی از محور مقاومت در برابر اسرائیل و خط مقدم مبارزه ایران با آمریکا می‌داند.

۲-۳) حفظ وحدت سرزمینی جهان اسلام

وحدت جهان اسلام به‌عنوان بخشی از گفتمان انقلاب اسلامی ایران در سخنان آیت‌الله خمینی پس از پیروزی انقلاب و در چارچوب یک شعار راهبردی مطرح شد. اتحاد حداکثری میان مسلمانان از خواسته‌های اصلی گفتمان انقلاب اسلامی است؛ چراکه عزت مسلمین و قدرت آنان در گرو این پیوستگی و تداوم حاصل می‌شود و امت اسلامی می‌تواند با ایستادگی در برابر دشمنان خود، در دل آنان ترس بیفکند. اشغال فلسطین و بخش‌هایی از سوریه نماد هجمه به این وحدت است، لذا صهیونیست‌ها به‌عنوان مهم‌ترین دشمنان امت اسلامی باید در چارچوبی منزوی شوند که درمقابل آن، حمایت از فلسطین و نام‌گذاری روزی به‌نام روز قدس به‌عنوان بخشی از تلاش‌های ایران در حمایت از مظلومیت فلسطینی‌ها و البته حفظ وحدت سرزمینی جهان اسلام پررنگ شود.^۱ البته این تهدیدهای سرزمینی به مسئله فلسطین ختم نشده‌اند و انواع سناریوهای تجزیه منطقه در دستور کار پیدا و پنهان اندیشکده‌ها و سیاست‌های قدرت‌های بزرگ به‌ویژه آمریکا در

۱. جهت مطالعه بیشتر رجوع شود به :

منطقه تحت‌نام خاورمیانه جدید و بزرگ‌تر قرار دارد که به دنبال تجزیه منطقه بر محور گسل‌های قومیتی و مذهبی است (هوشی سادات، ۱۳۹۵، صص. ۲۸۶-۳۲۰).

به بیان دیگر تهدیدهای سرزمینی سوریه و بحران ناشی از اعتراض‌های داخلی و همراهی حامیان منطقه‌ای و بین‌المللی آن، نوع دیگری از ایجاد اختلال در وحدت جهان اسلام است که تحت عناوین طرح خاورمیانه بزرگ‌تر و امثال آن، مرزهای ژئوپلیتیکی نوینی را ایجاد می‌کند. هرگونه تغییر در حکومت سوریه برخلاف اصل وحدت است و تا سال‌های طولانی منطقه را درگیر مخاطرات سهم‌خواهی و مرزبندی هویت‌های متنوع موجود می‌سازد و به تبع آتش این بحران می‌تواند هویت‌ها و سرزمین‌های مکمل خود در عراق، ترکیه و ایران را نیز فعال سازد. لذا از منظر جمهوری اسلامی ایران و رهبری انقلاب حفظ تمامیت سیاسی و سرزمینی سوریه واجب است چون وحدت جهان اسلام به آن پیوند خورده‌است. همان‌گونه که رهبر انقلاب اسلامی در دیدار شرکت‌کنندگان در کنگره بین‌المللی نقش شیعه در پیدایش و گسترش علوم اسلامی، مهم‌ترین نیاز امروز دنیای اسلام را وحدت و یکپارچگی بیان نمودند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۰۲/۲۲).

۳-۳) حفظ متحد دیرینه

با پیروزی انقلاب اسلامی، تغییرات گسترده‌ای در سیاست خارجی ایران به وجود آمد (Galbart, 2010, p.37). مجموعه جدیدی از «ما» و «دیگران» در اتمسفر همسایگی و منطقه‌ای ایران شکل گرفت که در آن اندک کشورهای ضدصهیونیست و ضدآمریکایی به سمت ایران گرایش پیدا کردند؛ بهبود روابط ایران و سوریه در همین چارچوب بود (Goodarzi, 2013, p.23). این تعامل در دوران تنهایی استراتژیک و نظامی ایران در جنگ ایران و عراق به اتحاد دو کشور انجامید و سوریه از معدود حامیان ایران بود. این حمایت در شرایطی بود که بخشی از نیروهای سوریه در لبنان علیه اسرائیل می‌جنگیدند و بخشی از خاک سوریه نیز در اشغال اسرائیل بود. بدین ترتیب این کشور بنا بر دلایل استراتژیک، از ایران حمایت می‌کرد؛ زیرا سوریه حمایت از جمهوری اسلامی را سبب تقویت روحیه نظامی خود در برابر اسرائیل و مسائل داخلی لبنان می‌دانست و از طرفی در صورت پیروزی عراق در جنگ و قدرتمندی بغداد در منطقه تهدید امنیتی‌ای برای دمشق بود.

حمایت‌های سیاسی سوریه از ایران وجه مهم همراهی دو کشور است. مواردی هم‌چون موضع‌گیری‌های سوریه در اجلاس کشورهای عربی که موجب عدم شکل‌گیری جبهه



متحد کشورهای عرب علیه ایران شد، در حالی که عراق در تلاش بود جنگ با ایران را جنگ عرب علیه عجم جلوه دهد. هم‌چنین حمایت سوریه از ایران سبب جلب حمایت بخش مهمی از لبنان از ایران شد. زمانی که کشورهای محافظه‌کار عربی به رهبری عربستان و اردن در تلاش بودند با برپایی کنفرانس عمان حمایت اعراب از جنگ علیه ایران را جلب کنند، مخالفت سوریه با این کنفرانس در نهایت منجر به شکل‌گیری محور تهران - دمشق گردید.

حمایت‌های تسلیحاتی سوریه از ایران در دوران جنگ تحمیلی نیز وجه دیگری از روابط دو کشور می‌باشد. در شرایطی که تحریم‌های تسلیحاتی سنگینی علیه ایران وضع شده بود، سوریه یکی از منابع مهم تسلیحات و تجهیزات نظامی ایران در زمان جنگ بود. موارد دیگری هم‌چون کمک‌های اطلاعاتی، قطع لوله‌های نفتی عراق و حمایت‌های موشکی نیز از دیگر وجوه روابط حسنه و حمایت‌گونه دو کشور بود. در نتیجه طبیعی است که ایران در زمان بحران سوریه در جهت تقویت روابط و حمایت از متحد خود در منطقه برآید. همان‌گونه که رهبر ایران در دیدار با بشار اسد با تأکید بر عمق راهبردی، روابط دیرینه دو کشور را ممتازترین روابط کشورهای منطقه نامید (شریفیان و همکاران، ۱۳۹۱، ص. ۱۷۱).

۳-۴) حفظ موازنه قدرت در منطقه

پس از شروع بحران سوریه، منطقه غرب آسیا به‌ویژه شامات به میدان تقابل کشورهای مختلف از جمله عربستان، ایران و ترکیه تبدیل شد. برخی از این کشورها با حمایت‌های مالی و تسلیحاتی از گروه‌های مخالف دولت سوریه در تلاش بودند با افزایش قدرت مخالفان در مقابل اسد، منطقه را برای یکه‌تازی‌های خود آماده سازند. از طرفی سقوط بشار اسد در سوریه به مثابه از دست رفتن یک متحد استراتژیک برای ایران است. در مقابل اتحاد محور ایران - سوریه - حزب‌الله لبنان می‌تواند با تحت فشار قراردادن اسرائیل عملاً از نفوذ و گسترش آن بکاهد (Khan, 2012, p.69) و این امر سبب تغییر موازنه قدرت به نفع کشورهای محور مقاومت در منطقه خواهد شد.

هم‌چنین دخالت‌های ایالات متحده آمریکا در جریان تحولات سوریه نیز مورد مخالفت ایران واقع شده و دولت مردان همواره بر خروج و عدم دخالت ایالات متحده از سوریه تأکید داشته‌اند. در این رابطه وزیر امور خارجه ایران در حساب توئیتری خود اظهار داشته‌است که آمریکا یک اشغالگر نامربوط در سوریه است و دستیابی به صلح در سوریه تنها از طریق

احترام به ملت و تمامیت ارضی این کشور امکان پذیر خواهد بود (سایت روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۹۸).

۳-۵) حذف تهدید مشترک منطقه‌ای

بحران سوریه و علت حمایت از اسد ترکیبی از ملاحظات استراتژیک، تهدیدات امنیتی مشترک و نیاز دوطرف به داشتن شریک سیاسی مطمئن در منطقه است. در این چارچوب نمی‌توان امنیت را مسئله‌ای داخلی تصور کرد که دولت‌ها به تنهایی بتوانند به آن دست یابند، بلکه در شرایط فعلی و با گستردگی مسائل مخاطره‌آمیز، امنیت دولت‌ها نیاز به اجماع امنیتی دولت‌ها برای مقابله با تهدیدهایی هم‌چون گروه‌های تروریستی دارد. به بیان دیگر بحران سوریه با قرار گرفتن در چارچوب امنیت ملی و سرزمینی جمهوری اسلامی ایران به موضوعی حساس و از مهم‌ترین رویدادهای دستگاه سیاست خارجی ایران تبدیل شد؛ به طوری که وضع بحرانی سوریه و احتمال هرگونه تغییر در ساختار سیاسی این کشور، ضریب امنیتی ایران را به شدت کاهش می‌دهد و باید جهت‌گیری دستگاه سیاست خارجی ایران، در حمایت از دولت اسد و جلوگیری از قدرت گرفتن گروه‌های تکفیری در منطقه تنظیم گردد. لذا رهبر انقلاب در سخنرانی‌ای تأکید کردند: اگر جمهوری اسلامی در سوریه «جلوی بدخواهان و فتنه‌گران» را نمی‌گرفت، «باید در تهران و فارس و خراسان و اصفهان» جلوی آن‌ها را می‌گرفت (سایت فارسی یورونیوز، ۱۳۹۵).

تشکیل دولت اسلامی عراق و شام، جنگ نیابتی محور غربی - عربی - عبری علیه ایران است، زیرا با حضور داعش در منطقه، مبارزه با اسرائیل دیگر در اولویت کشورها نخواهد بود و با درگیر شدن کشورهای محور مقاومت در مبارزه با داعش، ایستادگی در برابر رژیم صهیونیستی در اولویت دوم قرار خواهد گرفت. هم‌چنین قدرت گرفتن داعش در منطقه تهدید جدی‌ای برای شیعیان منطقه به حساب می‌آید و هرگونه بی‌نظمی و بی‌ثباتی سیاسی و نظامی در حوزه ژئوپلیتیک شیعه به بی‌ثباتی و تهدید امنیت ملی ایران منجر می‌شود. ایران به دلیل تنوع قومی - مذهبی همواره از جانب بسیاری از مخالفان جمهوری اسلامی مورد تهدید است. بستر ورود داعش به ایران در استان‌های مرزی با وجود مشکلات اقتصادی، اجتماعی و گرایش‌های مذهبی آنان فراهم است (قیداری، ۱۳۹۴، ص. ۱). در نتیجه داعش به عنوان یک بازیگر بی‌ثبات‌گر می‌تواند تهدید امنیتی‌ای علیه



محور مقاومت و ایران باشد. البته تهدید امنیتی داعش تنها متوجه جمهوری اسلامی ایران نیست، بلکه در صورت قدرت گرفتن این گروه، منطقه خاورمیانه درگیر یک بحران امنیتی می‌شد. این مسئله در کنار تهدیدات مذهبی - فکری علیه محور مقاومت در منطقه، می‌تواند به تضعیف بقا دولت سوریه در محور مقاومت، تضعیف شیعیان، تهدیدهای سیاسی علیه محور مقاومت، منحرف کردن جریان بیداری اسلامی، افزایش حضور ایالات متحده در منطقه، تضعیف عمق استراتژیک ایران و چرخش توازن به سود ائتلاف ضدایرانی در چارچوب امنیت وجودی منتهی گردد.

به این ترتیب حضور داعش تنها مسئله‌ای مرتبط با امنیت و بقای یک کشور نیست، بلکه تأسیس حکومت مورد نظر بنیادگرایان در هر نقطه از خاورمیانه، تبعات شدیدی به طور خاص برای ایران و به طور عام برای خاورمیانه خواهد داشت. مقامات ایرانی درباره این تهدید همواره بیان می‌کردند «اگر در سوریه نجنگیم، باید در مرزهای خود بجنگیم» و با توجه به وضعیت منحصر به فرد خاورمیانه، تهدید داعش تنها متوجه یک کشور خاص نخواهد بود (رضازاده و نجفی، ۱۳۹۵، ص. ۱۶۵). با این حال جمهوری اسلامی ایران به عنوان حکومت دینی، وابستگی مذهبی اندکی نسبت به رژیم اسد از خود نشان می‌دهد؛ در مقابل، از نگاه رسانه‌ای در ایران، مزایای استراتژیک سوریه برای ایران عبارتند از:

- دروازه استراتژیک به سوی جهان عرب؛
- سدی در برابر قدرت آمریکا و اسرائیل؛
- پل ارتباطی مهم برای دسترسی به حزب الله لبنان؛
- سوریه به مثابه سپری برای جلوگیری از بی‌ثباتی داخلی در ایران (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۲).

۳-۶) حمایت از تغییرات دموکراتیک

جمهوری اسلامی ایران همواره از تغییرات دموکراتیک براساس خواسته مردم در سوریه حمایت نموده است، زیرا خود را پایبند ارزش‌های انسانی و مردم‌سالاری می‌داند. در این چارچوب نمی‌تواند در مقابل خشونت سازمان یافته نسبت به معترضان سوری بی‌تفاوت باشد، لذا ضرورت دارد تا از طریق کانال‌های رسمی - حکومتی، از دولت بشار اسد بخواهد تا خشونت علیه معترضان را متوقف نماید. هم‌چنین حکومت سوریه را جهت انجام اصلاحات گسترده و ایجاد نهادهای دموکراتیک و مورد رضایت اکثریت مردم متقاعد نماید (متقی و سعیدی، ۱۳۹۴، ص. ۲۵). علی‌رغم دعوی مشابه از سوی دولت‌های غربی، در

عمل حامیان مخالف اسد با مسلح نمودن مخالفان دولت و گروه‌های تروریستی، اوضاع سوریه را متشنج‌تر کرده‌اند. آن‌ها در تلاش هستند علاوه بر ایجاد فشار بر دولت بشار اسد، جلوی ایجاد اصلاحات دموکراتیک و وصول مطالبات واقعی مردم گرفته شود. به نظر می‌رسد قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای در صدد تصمیم‌گیری برای کشورهای منطقه هستند تا بتوانند بستر نفوذ، مداخله و هدایت منطقه حساس غرب آسیا را در دست داشته باشند؛ در حالی که جمهوری اسلامی همواره با رد این نوع سیاست، تصمیم‌گیری مردم آن کشور را مقدم بر هر چیزی دانسته است، لذا مبارزه جمهوری اسلامی «مبارزه با این سیاست خبیث یعنی ورود مستکبران به منطقه است.» (سواری، ۱۳۹۴/۱۰/۲) در همین رابطه به گفته یک مقام مشورتی رهبری ایران، حکومت بشار اسد در رابطه با آینده سوریه خط قرمز تهران است (PressTV, 2016/04/10).

۳-۷) حمایت از چندجانبه‌گرایی و دیپلماسی

مهم‌ترین تأکید سیاست خارجی ایران پیشبرد گفتگوهای سوری - سوری و روند آستانه است. از نکات مورد تأکید دستگاه سیاست خارجی ایران حق تعیین سرنوشت مردم سوریه و هم‌چنین جلوگیری از دخالت قدرت‌های خارجی در ترسیم آینده این کشور بوده‌است؛ تلاش‌های محور مقاومت در نبرد با تروریسم نیز در جهت فراهم کردن بستر مناسب تصمیم‌گیری سوری‌ها برای آینده کشور سوریه بوده‌است. مقامات ایرانی همواره در اظهارات خود بر حل بحران سوریه از راه گفتگو و درک متقابل تأکید داشته‌اند (امیرعبداللهیان، ۱۳۹۵/۳/۱۶). البته حضور بازیگران متعدد و ارائه راه‌حل نظامی در حل بحران سوریه سبب پیچیده‌تر شدن بحران این کشور شده‌است. به گفته معاون عربی و آفریقایی وزیر امور خارجه ایران «در حل بحران سوریه هم‌زمان باید سه بعد امنیتی، سیاسی و انسانی در نظر گرفته شود و بحران سوریه را نباید با مسائل نظامی صرف حل و فصل نمود.» (ParsToday, 1395)

۳-۸) حمایت از حریم شیعه

بخشی از اتحاد ایران و سوریه فاقد بعد ایدئولوژیک و مذهبی و مبتنی بر اقتضائات ژئواستراتژیک و منطق واقع‌گرایی در عرصه قدرت است؛ از سویی رژیم سکولار سوریه، توسط یکی از اعضای فرقه علوی اداره می‌شود که ارتباط چندانی با اکثریت شیعه در ایران ندارد. اما حضور ایران در سوریه را می‌توان از دیدگاه ایدئولوژیک نیز مورد بررسی قرارداد.



درواقع بحران سوریه تنها یک بحران داخلی نیست، بلکه به سبب پدیده‌ای به نام افراط‌گرایی سازمان‌یافته، وجهی ایدئولوژیک و فرامرزی نیز پیدا کرده‌است.

در این خط‌مشی، شیعه به عنوان «دیگری» درمقابل مسلمانان سنی مذهب قرار می‌گیرد. ایران به عنوان کشوری با مذهب رسمی شیعه برای محافظت از مرزهایش، از هرگونه دفاع در این زمینه در خارج از مرزهایش نیز استقبال می‌کند (تقی‌زاده داوری، ۱۳۹۴، ص. ۱۶۸). لذا در این باره رسانه‌های جمهوری اسلامی تلاش داشتند حضور ایران در سوریه را دفاع از اصول و ارزش‌های شیعه معرفی کنند. این امر در سخنان مقامات دیپلماتیک و نظامی ایران نیز تبلور یافته‌است که ایستادگی درمقابل داعش در سوریه را دفاع از تفکر شیعی و امامان تشیع می‌نامیدند (خبرگزاری شبستان، ۱۳۹۸/۵/۱۹). هم‌چنین برخی در ایران، دفاع از حرم در سوریه را دفاع از اسلام، ایران و انسانیت معرفی کرده‌اند. نظر به اهمیت اماکن متبرکه سوریه برای مردم ایران تهدید داعش برای نابودی این اماکن، افکار عمومی در ایران را تحت تأثیر قرار داده‌است.

همان‌گونه که بررسی منابع خبری ایران در جریان بحران سوریه و پس از آن نشان می‌دهد، انعکاس تحولات سوریه در خبرگزاری‌های ایرانی با اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران هم‌راستا بوده و به‌نحوی چارچوب‌سازی رسانه‌ای در جریان تحولات سوریه در رسانه‌های ایران اتفاق افتاده‌است. رسانه‌های ایرانی همواره تلاش داشتند با برشمردن منافع ایدئولوژیک، استراتژیک و راهبردی در منطقه حضور ایران در سوریه را در توجیه نمایند.

۴- چارچوب‌بندی رسانه‌ای اتحادیه اروپا در بحران سوریه

با عنایت به نقش مهم رسانه‌ها در زمان بحران، مشاهده می‌شود که رسانه‌های اروپایی نیز همپای مواضع اتحادیه اروپا، چارچوب‌های معنایی متعدد و هم‌سویی را در پیش گرفتند. به‌طور کلی اتحادیه اروپا به‌عنوان بازیگری قدرتمند در عرصه روابط بین‌الملل در تلاش است خود را به‌عنوان بازیگری مستقل از ایالات متحده نشان دهد، بدین‌منظور گاهی در تحولات و مسائل مختلف، جهت‌گیری‌های مخالف یا متفاوتی از ایالات متحده اتخاذ می‌نماید. مسائلی هم‌چون تروریسم، حقوق بشر و روند صلح خاورمیانه و نیز برنامه هسته‌ای ایران را می‌توان جلوه‌هایی از تفاوت مواضع اتحادیه اروپا با سیاست‌های ایالات متحده دانست.

تمایل ورود اتحادیه اروپا به بحران سوریه به برخی دلایل تاریخی و مداخلات استعماری اروپایی‌ها بازمی‌گردد. معادلات جنگ جهانی اول و به‌موازات آن ضعف امپراتوری عثمانی پای اروپایی‌ها را به‌طور ویژه در مسائل استراتژیک خاورمیانه باز نمود. پیمان سایکس - پیکو در سال ۱۹۱۶، فلسطین، اردن و بین‌النهرین را به قیمومیت انگلیس و سوریه را تحت قیمومیت فرانسه درآورد. این کشورهای تحت‌الحمایه در دهه‌های میانی قرن بیستم، هم‌زمان با اوج‌گیری مبارزات ضد استعماری و ناسیونالیستی، از زیر یوغ استعمار خارج شدند. لذا با چنین سابقه‌ای طبیعی بود که با آغاز تحولات اخیر در خاورمیانه، اروپایی‌ها سیاستی جدی در قبال این منطقه داشته باشند (صباغیان و پارسایی، ۱۳۹۷).

از سوی دیگر سوریه برای اروپا همواره دارای اهمیت استراتژیک و ژئوپلیتیک بوده‌است، سوریه به‌عنوان بازیگری محوری در خاورمیانه نقشی اساسی در نظم این منطقه و از طرفی نقشی تأثیرگذار در روند منازعه اعراب و اسرائیل بازی می‌کند. قبل از تحولات انقلاب‌های عربی در منطقه خاورمیانه، اتحادیه اروپا تلاش می‌کرد از طریق اصلاح تدریجی نظام اقتصادی، اجتماعی و سیاسی سوریه به اهداف سیاست خارجی خود دست یابد؛ لذا نفوذ بیشتر در خاورمیانه و سوریه را از طریق افزایش تعاملات تجاری و اقتصادی و هم‌چنین اختصاص کمک‌های مالی مختلف به این کشور انجام می‌داد.

به دنبال وقوع ناآرامی‌های فوریه ۲۰۱۱ در درعای سوریه، روابط اتحادیه اروپا و سوریه دچار گسست و بحرانی جدی شد. این تغییر سیاست اروپا در قبال سوریه را می‌توان در پیوستاری از قانع کردن بشار اسد جهت گفتگوی جدی با مخالفان برای گذاری صلح‌آمیز و دموکراتیک و عدم سرکوب شدید غیرنظامیان، تا کسب حمایت منطقه‌ای و بین‌المللی برای اعمال فشار حداکثری برای کناره‌گیری دولت سوریه از قدرت و واژگون کردن دولت مرکزی دمشق ترسیم نمود. این فرایند در چارچوب‌سازی رسانه‌های اروپایی از این بحران نیز بازتاب داشته‌است:

۴-۱) حل مسالمت‌آمیز بحران قدرت

با توجه به محدودیت‌های اتحادیه اروپا در حوزه قدرت سخت افزاری و پیچیدگی تحولات سوریه و تعدد بازیگران درگیر در آن، اتحادیه توان کافی برای مدیریت مستقل این تحولات را نداشته‌است. ضمن آن که مطالعات تاریخی روابط اروپا و سوریه نشان می‌دهد که در شرایط عادی، استراتژی اروپا در قبال سوریه پرهیز از تغییرات ناگهانی، تغییر آرام



ساختار اجتماعی - اقتصادی و مدیریت تحت کنترل تحولات داخلی آن بوده است. اما ابعاد متفاوت و پیچیده داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بحران سوریه، بازیگری اتحادیه اروپا در مدیریت این بحران را دچار خدشه و اغتشاش راهبردی نمود. اتحادیه اروپا گاهی اعمال تحریم‌های همه‌جانبه را در کنار بین‌المللی کردن بحران سوریه و همکاری شدید با طرف‌های مخالف نظام سیاسی سوریه در پیش گرفت و این سیاست را به‌عنوان اصلی‌ترین راهبرد رسیدن به اهداف خود در سوریه اتخاذ نمود. گاهی نیز با در پیش گرفتن موضع محافظه‌کارانه، خواستار حفظ وضع موجود بوده است (Turkmani & Haid, 2016, p.15).

از حیث نظری اتحادیه اروپا دو سبک مدیریت بحران دارد: نخست مدیریت غیرنظامی بحران مانند کاربست ابزار سیاسی، دیپلماتیک، اقتصادی و دوم مدیریت نظامی با استفاده از قدرت سخت (Post, 2014, p.164)؛ اما دلایلی هم‌چون عدم توانایی کافی جهت استفاده مستقل از قدرت نظامی، نبود یک تصمیم مشترک در بحران سوریه در اتحادیه اروپا، عدم همراهی پارلمان اروپا و اختلافات حزبی، سبب اولویت رویکرد مسالمت‌آمیز اتحادیه اروپا در قبال بحران سوریه گردید (واعظی، ۱۳۸۷، ص.۴۳). در این چارچوب مقامات سیاست خارجی اتحادیه اروپا همواره با تأکید بر مذاکرات صلح و حل‌وفصل بحران از طریق دیپلماسی و گفتگو، تنها راه جلوگیری از درگیری بیشتر در سوریه را فراخواندن تمام طرف‌های درگیر به میز مذاکره اعلام کرده‌اند (Euronews, 2018/04/16). به این ترتیب یکی از مقاصد اولیه اتحادیه اروپا در بحران مذکور، گذار سوریه، در یک بازه زمانی بلندمدت با ضرب آهنگی ملایم و ثبات‌آفرین، بود که برآیند آن تبدیل سوریه به کشوری مطلوب با استانداردهای رفتاری متناسب با منافع اروپا است (خبرگزاری آوا، ۱۳۹۱).

۴-۲) تقبیح سرکوب غیرنظامیان

حمله شیمیایی در ۲۱ اوت ۲۰۱۳ در منطقه غوطه شرقی در زمان بحث از چگونگی حل‌وفصل بحران سوریه و ادعای مخالفان دولت سوریه مبنی بر استفاده دولت از سلاح شیمیایی علیه شهروندان، منجر به پیچیده‌تر شدن بحران این کشور شد. دولت‌های اروپایی از این اتفاق جهت فشار به دولت مرکزی استفاده کردند و با محکوم نمودن دولت بشار اسد در استفاده از این سلاح‌ها، تلاش داشتند جلوی پیشروی دولت سوریه در منطقه را بگیرند. از این رو برخی مقامات غربی، توقف استفاده از سلاح شیمیایی را شرط مذاکرات و لغو حمله نظامی به سوریه معرفی کردند (Euronews, 2013/09/09).

پس از حمله شیمیایی و تهدید حمله نظامی ایالات متحده به سوریه، رهبران اروپایی در دیداری با جان کری، وزیر امور خارجه وقت آمریکا، بر خواسته خود مبنی بر ارائه پاسخی روشن دولت سوریه در زمینه حمله شیمیایی تأکید کردند. البته به دلیل نگرانی از رشد افراط‌گرایی در منطقه در صورت وقوع جنگ گسترده‌تر و عدم اطمینان از مؤثر بودن حمله نظامی به دولت سوریه، از جان کری درخواست نمودند تا زمان ارائه گزارش بازرسان سازمان ملل در مورد اتهام سوریه به استفاده از سلاح شیمیایی، اقدام نظامی ایالات متحده به تعویق افتد (Independent, 2013/09/07).

تقیب و سرزنش گفتاری و رسانه‌ای اروپاییان به کمک تسلیحاتی از مخالفان اسد انجامید. آنان ضمن کمک‌های نظامی فراوان به شورشیان سوری، تحریم‌های تسلیحاتی سوریه را لغو کردند تا نسبت به انتقال تجهیزات نظامی به مخالفان دولت بشار اسد اقدام نمایند (Guardian, 2013/03/01). به علاوه در فوریه ۲۰۱۳، ایالات متحده کمک‌های غذایی و پزشکی متعددی به مخالفان دولت سوریه ارسال نمود. آمریکا با ادعای استفاده بشار اسد از سلاح شیمیایی در برابر شورشیان مخالف دولت، به سازمان سیا اجازه داد سلاح‌های کوچک و مهمات برای گروه‌های شورشی فراهم کند (Archick & Mix, 2013).

۳-۴) حمایت از چندجانبه‌گرایی علیه دمشق

با شروع تحولات سوریه، اتحادیه اروپا به بهانه عملکرد دولت بشار اسد در حوادث مذکور، تحریم‌های گسترده‌ای علیه دولت سوریه با هدف تحت فشار قرار دادن بشار اسد برای پذیرش آتش‌بس و مذاکره تصویب نمود (Council of the European Union, 4/June/2013). این تحریم‌ها شامل انسداد دارایی‌ها، ممنوعیت سفر، تحریم تجهیزات و اعمال محدودیت واردات نفت سوریه می‌شد. کشورهای اروپایی هم‌چنین به شورشیان مسلح سوریه کمک نظامی کردند که در همین رابطه اتحادیه اروپا به‌طور رسمی تحریم‌های تسلیحاتی سوریه را جهت انتقال تجهیزات نظامی به مخالفان دولت بشار اسد و تضعیف وی لغو کرد (Guardian, 1/march/2013). مجموع این اقدامات را می‌توان تلاش چندجانبه‌تضعیف دولت مرکزی سوریه دانست.

روند مذکور به صورت نشست‌های آتش‌بس و مذاکره نیز دنبال شد. پس از گذشت مدتی از جنگ سوریه و پیروزی‌های ارتش این کشور، دولت‌های حامی مخالفان تلاش نمودند با هدف ایجاد وقفه در این پیروزی‌ها، آتش‌بس و ایجاد شرایط دستیابی به راه‌حل دیپلماتیک، نشست‌های مختلفی را ترتیب دهند. این مذاکرات تنها راه‌حل اساسی



حل و فصل بحران سوریه قلمداد می‌شد (تسنیم، ۱۳۹۶/۹/۷). مقامات اروپایی هدف از برگزاری نشست ژنو ۲ را تحقق بخشیدن به دستاوردهای نشست ژنو ۱ مبنی بر تشکیل دولتی با اختیارات کامل در سوریه توصیف کردند (احمد خان بیگی، ۱۳۹۲، ص. ۱۰۲۷). در حالی که در نشست ژنو ۱ بیشتر طرف‌های حاضر به دنبال برکناری نظام سوریه بودند و آن را به عنوان شرط اساسی در نظر داشتند، اما در نشست ژنو ۲ بیشتر کشورها در صدد دستیابی به حل و فصل سیاسی و راه‌حل دیپلماتیک بحران سوریه بودند.

چندجانبه‌گرایی ضد دمشق البته استثنائاتی نیز پیدا کرد. فرانک والتر اشتاین مایر، وزیر امور خارجه وقت آلمان گفت: میانجی‌گران بین‌المللی باید تلاش کنند تا همسایگان سوریه، از جمله ایران نیز در مذاکرات ژنو ۲ شرکت کنند (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۲/۱۰/۰۹). در حالی که در ژنو ۱ تنها وزیران خارجه پنج کشور ایالات متحده، چین، روسیه، فرانسه و انگلیس در کنار سه کشور به نمایندگی از اتحادیه عرب (عراق، کویت و قطر)، ترکیه، نیل‌العربی، دبیرکل اتحادیه عرب و کاترین اشتون، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، و کوفی عنان حضور داشتند، در نشست ژنو ۲ علاوه بر مشارکت ۳۰ کشور، دمشق نیز نماینده ارشد در این نشست داشت (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۲/۰۸/۰۱).

برگزاری نشست‌های صلح اگرچه می‌تواند اختلافات میان نیروهای درگیر در کشورها را برطرف کند، اما گروه‌های تروریستی در حال جنگ در سوریه از این امر مستثنا هستند، چراکه آن‌ها به هیچ‌یک از قوانین بین‌المللی پایبند نیستند و این موضوع را طی سال‌های متمادی در سوریه اثبات کرده‌اند. هم‌چنین کشورهای حاضر در این نشست‌ها در وهله نخست به دنبال دستیابی به منافع کوتاه‌مدت و بلندمدت خود در منطقه هستند که این امر می‌تواند در تأثیرگذاری این دور از نشست‌های صلح مؤثر باشد.

۴-۴) تضعیف محور مقاومت

پس از روی کار آمدن بشار اسد در سال ۲۰۰۰، حمایت از مقاومت علیه رژیم اشغالگر قدس جایگاه بالایی یافت، به طوری که بشار اسد در سخنرانی‌اش در نشست سران عرب به وضوح اعلام کرد که هیچ‌یک از رهبران اسرائیل علاقه‌مند به صلح نیستند و همه آن‌ها به عنوان مجرمین جنگی، که نژادپرست‌تر از نازی‌ها هستند، شناخته می‌شوند. این سخنان حمایت از محور مقاومت نیز بود، اما نکته‌ای که باعث محبوبیت محور مقاومت در جهان اسلام و اوج همکاری مقاومت با سوریه شد، همکاری سه‌جانبه ایران، سوریه و حزب‌الله

علیه تجاوزهای اسرائیل به جنوب لبنان در سال ۲۰۰۶ و در غزه در سال ۲۰۰۸ - ۲۰۰۹ بود (احرامی و جعفری فر، ۱۳۹۷، ص. ۷۸).

همکاری‌های ایران و سوریه در جنگ‌های ۳۳ روزه و ۲۲ روزه حزب‌الله و اسرائیل، سبب شد با حمایت‌های ایران، عمق روابط استراتژیک دو کشور نیز افزایش یابد (ساجدی، ۱۳۹۶، ص. ۱۷۲). از طرفی در خلال تحولات سوریه تقابل دو گروه مشهود گردید: محور مقاومت متشکل از کشورهای ایران، سوریه و حزب‌الله در مقابل محور ضد مقاومت متشکل از اسرائیل، عربستان و ترکیه. در این تقسیم‌بندی هم‌چنین می‌توان دو کشور روسیه و آمریکا را به‌عنوان نیروهای خارج از منطقه اما تأثیرگذار و فعال برشمرد که در یک‌طرف گروه روسیه، سوریه، ایران و حزب‌الله و در سوی دیگر عربستان، آمریکا، اسرائیل و اتحادیه اروپا قرار گرفتند (Khouri, 2018, p.5) که هدف آن‌ها تضعیف قدرت نفوذ ایران بر منطقه خاورمیانه و به‌طور کلی تضعیف محور مقاومت است.

حضور قدرت‌های بزرگ در بحران سوریه و حمایت از متحدان منطقه‌ای آن‌ها در خاورمیانه سبب شده‌است تا زمینه‌های همگرایی و ائتلاف علیه ایران در بین برخی کشورهای منطقه خاورمیانه فراهم گردد. هم‌چنین مسئله امنیت اسرائیل همواره مورد تأکید ایالات متحده و کشورهای اروپایی بوده‌است. همان‌طور که مصطفی بیلماز، کارشناس و تحلیل‌گر مسائل سیاسی ترکیه و نماینده روزنامه ملی گازنه در آنکارا، اعتقاد دارد، بخش عمده بحران‌های جاری منطقه برای تأمین امنیت اسرائیل شکل گرفته‌است (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۹۸/۷/۲).

اسرائیل و دغدغه‌های امنیتی آن برای اتحادیه اروپا مهم است. اسرائیل نگران شکل‌گیری حکومت‌های اسلامی در کشورهای عربی است و ژئوپلیتیک خاورمیانه با غلبه حکومت‌های اسلامی تهدید جدی‌ای برای امنیت اسرائیل محسوب می‌شود. تحولات سوریه و نقش ایران در این بحران و پل ارتباطی این کشور با حزب‌الله از طریق حکومت اسد، باعث تمایل رژیم اسرائیل، به در پیش گرفتن سیاست تضعیف حکومت بشار اسد و عدم پیروزی نیروهای معارض تندروی مذهبی شده‌است (پورحسن، ۱۳۹۱، ص. ۲۴). به‌طور کلی تغییر رفتار نظام سوریه نسبت به همسایگان (مخصوصاً رژیم صهیونیستی) و تبدیل سوریه به بخشی از راه‌حل منازعه اعراب - اسرائیل یکی از اهداف حضور اتحادیه اروپا در منازعه سوریه است.

البته اتحادیه اروپا در دوره‌ای به دلیل نگرانی‌های مشترک با آمریکا در منطقه هم‌چون





گسترش تسلیحات هسته‌ای، محدود کردن افراط‌گرایی اسلامی، حصول اطمینان از جریان صادرات انرژی، حمل و نقل تجاری، تضمین امنیت اسرائیل و پیشبرد مذاکرات صلح با فلسطینی‌ها، با مواضع امریکا همسو بوده‌است. اما با وجود نگرانی‌ها و مواضع مشترک امریکا و اتحادیه اروپا، مواضع متناقض و متفاوتی هم در رویکرد این دو بازیگر دیده می‌شود که گاهی سبب موضع‌گیری‌های متفاوت اتحادیه اروپا از امریکا نسبت به بحران سوریه شده‌است.

نتیجه

این نوشتار تلاش نمود در رویکردی تطبیقی، چارچوب‌سازی‌های رسانه‌ای دو بازیگر محوری در بحران سوریه یعنی جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا را بررسی نماید. این دو بازیگر قابلیت‌های اقناعی رسانه را در جهت اهداف و منافع خود در چارچوب‌های معنایی متنوع امنیتی، سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک به کار بردند. ساختارهای معنایی‌ای که همسو با جهت‌گیری‌های کلان در سیاست خارجی، واقعیت‌سازانه بحران را به‌نحو مقتضی صورت‌بندی نماید. لذا با پررنگ شدن برخی جنبه‌های صحنه نبرد، بحران در مسیری همسو با استراتژی‌های منطقه‌ای هدایت‌شده برای مخاطبان تبیین می‌شود. هم‌چنین گاهی اندکی از خشونت‌ها و اقتدارگرایی‌های صحنه بحران بازتاب می‌یابد. در هر حال چارچوب و قاب رسانه، ناتوان از طرد سوگیری‌های سیاسی، امنیتی و ایدئولوژیک است و همپای دیپلماسی رسمی در شکل‌دهی به افکار عمومی و فهم مخاطبان خود به سلب مشروعیت از افراد یا جریان‌های سیاسی و یا حمایت از اشخاص یا رخدادهای میدان بحران عمل می‌کند.

همان‌طور که ملاحظه گردید، آنچه از دریچه رسانه‌های جمهوری اسلامی ایران از بحران سوریه قالب‌بندی شد مبتنی بر چند محور بود؛ گزاره «حفظ وحدت سرزمینی جهان اسلام» یکی از مهم‌ترین چارچوب‌هایی است که براساس آن، حمایت ایران از بشار اسد و دولت رسمی سوریه را تبیین می‌نماید. ایده‌ای که در تقابل با الگوهای نوین ژئوپلیتیکی اندیشکده‌های آمریکایی و اروپایی، نظم سرزمینی کنونی خاورمیانه را بر هر نوع مداخله و دست‌کاری درونی و بیرونی ترجیح می‌دهد. گزاره‌های دیگر هم‌چون «حفظ متحد دیرینه»، «حفظ موازنه قدرت در منطقه» و «حذف تهدید مشترک منطقه‌ای» قالب‌های رئالیستی‌ای است که حضور ایران در سوریه را براساس منطق قدرت در نظام بین‌المللی و

منطقه‌ای تبیین می‌نماید. البته گاهی افزودن وجه ایدئولوژیک به این جنبه از حضور ایران در پوشش گزاره‌های «حفظ محور مقاومت» و «حمایت از حریم شیعه»، اقناعات دینی و انقلابی را در این بحران تصویرسازی می‌کند و در نهایت گزاره‌های سیاسی‌ای هم‌چون «حمایت از تغییرات دموکراتیک» و «حمایت از چندجانبه‌گرایی و دیپلماسی» است که تلاش جمهوری اسلامی ایران برای حل بحران و کاستن از خشونت‌های افسارگسیخته را انعکاس می‌دهد.

چارچوب‌بندی رسانه‌ای اتحادیه اروپا از بحران سوریه نیز اقتضائات خود را دارد. «حل مسالمت‌آمیز بحران قدرت» چارچوبی است که در آن اروپا به پرهیز از تغییرات ناگهانی، تغییر آرام ساختار اجتماعی - اقتصادی و مدیریت تحت کنترل تحولات داخلی سوریه باور داشت؛ هرچند این امر عمر چندانی نیافت و استراتژی بین‌المللی کردن بحران سوریه و همکاری با معارضان سوری انتخاب شد. چارچوب «تقبیح سرکوب غیرنظامیان» و «حمایت از چندجانبه‌گرایی علیه دمشق»، مسیر سیاسی اتحادیه اروپا در بحران سوریه را بازنمایی می‌نمود که گاهی با تصویر حمایت از صلح و حل‌وفصل بحران همراه شد و از همه طرفین دعوا دعوت به گفتگو و مفاهمه می‌شود. در نهایت چارچوب رسانه‌ای در اتحادیه اروپا «تضعیف محور مقاومت» به‌عنوان یک مقوله ژئواستراتژیک را هدف‌گذاری کرده‌است، زیرا مطلوبیت بازی قدرت در خاورمیانه و منطقه شامات می‌بایست به‌گونه‌ای تنظیم شود که در آن با تضمین امنیت اسرائیل، انرژی دیگران (محور مقاومت) به‌جای مبارزه با این رژیم، صرف بحرانی طولانی و پرهزینه گردد.



منابع

- اتحادیه اروپا بر حل دیپلماتیک بحران سوریه تاکید کرد. خبرگزاری آوا (۱۳۹۱). قابل دسترس در:
<https://www.avapress.com/fa/news/49666>
- احرامی، س؛ جعفری فر، ا. (۱۳۹۷). تأثیرات منطقه‌ای دخالت حزب‌الله و اسرائیل در بحران سوریه. *مطالعات آسیای جنوب غربی*، ۱(۴)، صص. ۷۳-۹۹.
- احمد خان بیگی، س. (۱۳۹۲). تأثیر سیاست آمریکا و اروپا در قبال بحران سوریه بر اختلافات فراآتلانتیک. *سیاست خارجی*، ۲۷(۴)، صص. ۱۰۳۶-۱۰۱۳.
- امیر عبداللهیان، ح. (۱۳۹۵). بحران سوریه راه حل نظامی ندارد. *خبرگزاری جمهوری اسلامی*. قابل دسترس در:
<https://www.irna.ir/news/82101745>
- ایستادگی درمقابل داعش در سوریه، دفاع از تفکر شیعی و امامان تشیع بود. *خبرگزاری شبستان*
<http://shabestan.ir/detail/News/819470> قابل دسترس در: (۱۳۹۸/۵/۱۹)
- بحران‌های منطقه برای امنیت اسرائیل شکل گرفته‌است. *خبرگزاری جمهوری اسلامی*
www.irna.ir/news/83488448 قابل دسترس در: (۱۳۹۸/۷/۲)
- پورحسن، ن. (۱۳۹۱). آثار بحران سوریه بر مسئله فلسطین. *مطالعات فلسطین*، ۱۸، صص. ۷-۳۶.
- تقی‌زاده داوری، م. (۱۳۹۴). شیعه و مذاهب دیگر، حوزه‌های تعاملی و چالشی. *شیعه‌شناسی*، ۲، صص. ۸۰-۱۷۸.
- جهان از ژنو ۱ تا ژنو ۲. *خبرگزاری ایسنا* (۱۳۹۲/۸/۱). قابل دسترس در:
<https://fararu.com/fa/news/175648>
- چرا ایران از سوریه حمایت می‌کند؟ *خبرگزاری تسنیم* (۱۳۹۲). قابل دسترس در:
<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1392/02/07/47599>
- حمایت آلمان از حضور ایران در کنفرانس ژنو ۲. *خبرگزاری فارس* (۱۳۹۲/۱۰/۱۹). قابل دسترس در:
<https://fararu.com/fa/news/175648>
- خامنه‌ای، س.ع. (۱۳۹۷/۱۲/۰۶). *بیانات در دیدار رئیس جمهوری سوریه*. قابل دسترس در:
<https://www.leader.ir/fa/content/22767/>
- خامنه‌ای، س.ع. (۱۳۹۷/۰۲/۲۲). *بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در کنگره «نقش شیعه در پیدایش و گسترش علوم اسلامی»*. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39581>



خرازی آذر، ز. (۱۳۹۴). درک مفهوم دیپلماسی رسانه‌ای، رسانه‌ها به مثابه بازیگران نوین دیپلماتیک. علوم سیاسی، ۱۱(۳۲). صص. ۱۳۵-۱۱۷.

ساجدی، ا. (۱۳۹۶). سیاست خاورمیانه ای ترامپ، مطالعه موردی بحران سوریه و حمله موشکی آمریکا. مطالعات روابط بین‌الملل، ۱۰(۴۰)، صص. ۹۲-۶۹.

سایت روزنامه دنیای اقتصاد (۱۳۹۸). ظریف: آمریکا یک اشغالگر نامربوط در سوریه است، قابل دسترس در: <https://donya-e-eqtasad.com>

سایت فارسی یورونیوز (۱۳۹۵). رهبر ایران: اگر در سوریه جلوی بدخواهان گرفته نمی‌شد، باید در تهران دفاع می‌کردیم. قابل دسترسی در:

<https://per.euronews.com/2017/01/05/iranian-involvement-in-the-syrian-civil-war>

سواری، م. (۱۳۹۴/۱۰/۲). چرا به سوریه و لبنان کمک می‌کنیم؟. پایگاه اطلاع‌رسانی بصیرت. قابل دسترس در: <https://basirat.ir/fa/news/284981>

سورین، و؛ تانکارد، ج. د. (۱۳۸۱) نظریه‌های ارتباطات. (مترجم: علیرضا دهقان). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

شبکه خبری ParsToday (۱۳۹۵). بحران سوریه راه‌حل نظامی ندارد. بازیابی در <https://parstoday.com/dari/news/iran-i9064> از: may 20, 2020.

شبکه خبری العالم. (۱۳۹۸). سردار فدوی: با تلاش، ابتکار و خلاقیت به اقتدار رسیدیم / دشمن نتوانسته هیچ خدشه‌ای به مسیر انقلاب وارد کند. بازیابی در 8 may 2022، از:

<https://fa.alalam.ir/news/4250046>

شریفیان، ج؛ کبیری، ا؛ طحامنش، ع. ر. (۱۳۹۱). تعامل و تقابل ایران و ترکیه در بحران سوریه. امنیت پژوهی، ۱۱(۳۸)، صص. ۱۸۶ - ۱۳۹.

صباغیان، ع؛ پارسایی، م. (۱۳۹۷)، عوامل بیرونی موثر بر نقش‌آفرینی اتحادیه اروپا در قبال مسئله فلسطین، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، پاییز، ۸(۳) (پیاپی ۲۹)، صص. ۲۲۲-۱۹۱.

فرقانی، م. م؛ موذن، ک. (۱۳۹۴). دولت یازدهم و دیپلماسی رسانه‌ای آمریکا: بررسی ابعاد و چارچوب‌های محتوایی سایت فارسی صدای آمریکا. مطالعات رسانه‌ای نوین، ۱(۲)، صص. ۳۰-۱.

قیداری، ع. (۱۳۹۴). آیا ایران نگران تهدید داعش در مرزها است؟ سایت تحلیلی دیپلماسی ایرانی، قابل دسترسی در: <http://irdiplomacy.ir/fa/news/1948477>





متقی، ا؛ سعیدی، ا. م. (۱۳۹۴). بررسی سیاست خارجی ایران در قبال سوریه. پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، ۶(۲۴). صص. ۱-۳۲.

محمدی، ح. (۱۳۸۷). سیاست‌گذاری رسانه‌ای، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی (پژوهش و سنجش)، ۱۵ (۵۳)، بهار، صص. ۶۹ - ۹۳.

مذاکرات ژنو، اساس حل و فصل سیاسی بحران سوریه. خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۶/۹/۷). قابل دسترس در:

<https://tn.ai/1586533>

نجفی، س؛ رضازاده، م. (۱۳۹۵). جایگاه سوریه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. سیاست دفاعی، ۲۴(۹۵)، صص. ۱۹۰-۱۴۵.

واعظی، محمود. (۱۳۸۷). اتحادیه اروپا از قانون اساسی واحد تا پیمان لیسبون، اتحادیه اروپا و سیاست بین‌الملل، پژوهش. ۱۶، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.

هوشی سادات، س. م. (۱۳۹۵). تاریخ سیاسی - اجتماعی خاورمیانه: از عصر قدیم تا پسا عصر جدید. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

Archick, k. & Mix, D.E. (2013). *The United States and Europe: Responding to Change in the Middle East and North Africa*. CRS Report for Congress.

Cissell, M. (2012). Media Framing: A Comparative Content Analysis On Media Stream and Alternative News Coverage of Occupy Wall Street. *The Elon Journal of Undereducated Researching Communications*, 3(1).

Council of the European Union (2013/06/04). *The European Union and Syria*. Retrieved from:

https://www.consilium.europa.eu/en/uedocs/cms_data/docs/pressdata/en/foraff/128379

Euronews (2018/04/16). *EU 'understands' Syria strikes but calls for peace talks, says Mogherini*. Retrieved from:

<https://www.euronews.com/2018/04/16/>

Euronews (2013/09/09). Kerry says Syria can avoid military strikes if al-Assad gives up chemical weapons. Retrieved from:

<https://www.euronews.com/2013/09/09/kerry-says-syria-can-avoid-military-strikes-if-al-assad-gives-up-chemical->

Hallahan, K. (1999). Seven Models of Framing: Implications for Public Relations. *Journal of Public Relations Research*, 11(3).

Goffman, E. (1959). *Presentation of Self in Everyday life*. Garden city, Anchor Books.



References

- Ahmad Khanbeygi, S. (2013). The impact of the American and European policy toward the Syrian crisis on transatlantic disagreements. *Foreign Policy* (27, no. 4), 1013-36. [In Persian]
- Al-Alam News Network. (2019). Commander Fadavi: we have reached power through efforts, innovations, and creativity / the enemy could not undermine the path of revolution. Retrieved on May 8, 2022 from <https://fa.alalam.ir/news/4250046/> [In Persian]
- Amir Abdollahian, H. (2016). The Syrian crisis has no military solution. *IRNA*, accessible at <https://www.irna.ir/news/82101745/> [In Persian]
- Archick, k. & Mix, D.E. (2013). *The United States and Europe: Responding to Change in the Middle East and North Africa*. CRS Report for Congress.
- Cissell, M. (2012). Media Framing: A Comparative Content Analysis On Media Stream and Alternative News Coverage of Occupy Wall Street. *The Elon Journal of Undereducated Researching Communications*, 3(1).
- Council of the European Union (2013/06/04). *The European Union and Syria*. Retrieved from: https://www.consilium.europa.eu/en/uedocs/cms_data/docs/pressdata/en/foraff/128379
- Ehrami, S. and Jafarifar, A. (2018). Regional impacts of interventions by Hezbollah and Israel in the Syrian crisis. *Southwestern Asia Studies* (1, no. 4), 73-99. [In Persian]
- Euronews (2013/09/09). Kerry says Syria can avoid military strikes if al-Assad gives up chemical weapons. Retrieved from: <https://www.euronews.com/2013/09/09/kerry-says-syria-can-avoid-military-strikes-if-al-assad-gives-up-chemical->
- Euronews (2018/04/16). *EU 'understands' Syria strikes but calls for peace talks, says Mogherini*. Retrieved from: <https://www.euronews.com/2018/04/16/>
- Forghani, M. M. and Moazzen, K. (2015). The eleventh government and the American media diplomacy: a consideration of the dimensions and content frameworks of the Persian website of the Voice of America. *New Media Studies* (1, no. 2), 1-30. [In Persian]
- Galbart, J. (2010). The Iran- Syria axis: a Critical *Investigation*. *Stanford Journal of International Relation, Fall, in:* Geneva negotiations, the basis for a political settlement of the Syrian crisis. *Tasnim News Agency* (2017). Accessible at <https://tn.ai/1586533> [In Persian]

- German support of Iran's participation in Geneva 2. *Fars News Agency* (2014). Accessible at <https://fararu.com/fa/news/175648> [In Persian]
- Gheidari, A. (2015). Is Iran worried about the ISIS threat in its borders? *The Analytic Website of Iranian Diplomacy*, accessible at <http://irdiplomacy.ir/fa/news/1948477/> [In Persian]
- Gilboa, E. (2001). Diplomacy in the media age: Three models of uses and effects. *Diplomacy and Statecraft*, 12(2) , pp.1-28.
- Goffman, E. (1959). *Presentation of Self in Everyday life*. Garden city, Anchor Books.
- Goodarzi, J. (2013). *Syria and Iran: Alliance Cooperation in a Changing Relation Environment*. ortadogn Etuleri
- Guardian, T. (2013/03/01). *Syria crisis: European countries expected to start arming rebels*. Retrieved from: <https://www.theguardian.com/world/2013/mar/01/syria-crisis-european-countries-rebels>
- Hallahan, K. (1999). Seven Models of Framing: Implications for Public Relations. *Journal of Public Relations Research*, 11(3).
- Houshi Sadat, S. M. (2016). *The political-social history of the Middle East: from ancient to the post-modern period*. Tehran: University of Tehran Press. [In Persian]
<https://docplayer.net/63588377-The-iran-syria-axis-a-critical-investigation.html>
- Independent (September 7, 2013), Syria crisis: European foreign ministers to urge John Kerry to delay US military action until UN weapons inspectors report back, available at: <http://www.independent.co.uk/news/world/europe/>.
- Khamenei, S. A. (2018). Speech for participants of the conference of the "Shiite role in the formation and development of Islamic sciences." Accessible at <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39581> [In Persian]
- Khamenei, S. A. (2019). Speech in the visit by the Syrian president. Accessible at: <https://www.leader.ir/fa/content/22767/> [In Persian]
- Khan, J. (2012). Empire against Iran and Syria Empire: new world war for the new world order? *Explore West Magazine*, 108
- Kharrazi Azar, Z. (2015). Perception of the conception of media diplomacy, media as new diplomatic actors. *Political Sciences* (11, no. 32), 117-135. [In Persian]
- Khouri, R. (2018). *The Implication of the Syrian war for new Regional orders in the Middle East*. Available at: https://www.cidob.org/en/publications/publication_series/project_pap





- ers/menara_papers/working_papers/the_implications_of_the_syrian_war_for_new_regional_orders_in_the_middle_east
- Leonard, M. (2002). *Public Diplomacy*. London: the Foreign policy Centre.
- Mohammadi, H. (2008). Media policymaking. *Communication Research* (15, no. 53), 69-93. [In Persian]
- Mottaghi, A. and Saeedi, A. M. (2015). Consideration of Iran's foreign policy towards Syria. *Political and International Research* (6, no. 24), 1-32. [In Persian]
- Najafi, S. and Rezazadeh, M. (2016). Syria's place in the foreign policy of the Islamic Republic of Iran. *Defense Policy* (24, no. 95), 145-90. [In Persian]
- ParsToday News Network (2016). The Syrian crisis has no military solution. Retrieved on May 20, 2020 from <https://per.euronews.com/2017/01/05/iranian-involvement-in-the-syrian-civil-war> [In Persian]
- Persian Euronews Website (2016). Iranian leader: if the ill-wishers were not prevented in Syria, we had to defend in Tehran. Accessible at <https://per.euronews.com/2017/01/05/iranian-involvement-in-the-syrian-civil-war> [In Persian]
- Post, S. (2014). Toward a whole of European Approach Organization the European Unions and member states comprehensive crisis management, springer vs, Berlin.
- Pourhasan, N. (2012). Impacts of the Syrian crisis on the Palestinian Issue. *Palestinian Studies* (18), 7-36. [In Persian]
- PressTV (2016/04/10). *Ouster of Assad Iran's Redline: Leader's Adviser*. Retrieved from: <http://www.presstv.com/Detail/2016/04/10/460027/>
- Regional crises are formed for the security of Israel. *IRNA* (2019). Accessible at www.irna.ir/news/83488448 [In Persian]
- Resistance against ISIS in Syria was defense of the Shiite thought and Shiite Imams. *Shabestan News Agency* (2019). Accessible at <http://shabestan.ir/detail/News/819470> [In Persian]
- Rosenau, J.N. & Singh J.P. (2002). *Information Technologies and Global Politics: The Changing Scope of Power and Governance*. SUNY Press,
- Sabbaghian, A. and Parsaee, M. (2018). External factors affecting EU's role in the Palestinian issue. *International Relations Research* (8, no. 3), 191-222. [In Persian]
- Sajedi, A. (2017). Trump's Middle Eastern policy, a case study of the Syrian crisis and the American missile attack. *International Relations*

Studies (10, no. 40), 69-92. [In Persian]

Savari, M. (2016). Why do we help Syria and Lebanon? *Basirat News Website*. Accessible at <https://basirat.ir/fa/news/284981> [In Persian]

Severin, W. and Tankard, J. (2002). *Communication theories* (A. Dehghan, Trans.). Tehran: University of Tehran Press. [In Persian]

Sharifian, J., Kabiri, A. and Tahamanesh, A. R. (2012). Iran-Turkey interaction and conflict in the Syrian crisis. *Security Research* (11, no. 38), 139-86. [In Persian]

Silverstone, R. (2007). *Media and Morality: the Rise of the Media Polis*. Cambridge, Polity

Taghizadeh Davari, M. (2015). Shia and other denominations, areas of interaction and challenge. *Shia Studies* (2), 80-178. [In Persian]

The European Union emphasized on a diplomatic solution to the Syrian crisis. *AVA News Agency* (2012). Accessible at <https://www.avapress.com/fa/news/49666> [In Persian]

The website of Donyaye Eghtesad Newspaper (2019). Zarif: America is an irrelevant occupier in Syria. Accessible at <https://donya-e-eghtesad.com/> [In Persian]

The world from Geneva 1 to Geneva 2. *ISNA* (2013). Accessible at <https://fararu.com/fa/news/175648> [In Persian]

Turkamani, R. & Haid, M. (2016). *The Role of the EU in the Syrian Conflict*. Available at: https://brussels.fes.de/fileadmin/public/editorfiles/events/Maerz_2016/FES_LSE_Syria_Turkmani_Haid_2016_02_23.pdf

Vaezi, M. (2008). European Union from one constitution to the treaty of Lisbon, EU and international politics. *Research* (16), Tehran: Research Institute of Strategic Research. [In Persian]

Why does Iran support Syria? *Tasnim News Agency* (2013). Accessible at <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1392/02/07/47599> [In Persian]

